

Table of Contents

۱	خارج اصول. بررسی مرجحات باب تزاحم. جلسات ۱۴۰۱/۱۲/۳//۳۳-۳۴
۱	بیان نائینی
۲	مرجح اول
۳	بدلیت طولی
۳	بدلیت عرضی
۵	نظر استاد وحید
۵	سخن ما

باسمه تعالی

خارج اصول. بررسی مرجحات باب تزاحم. جلسات ۱۴۰۱/۱۲/۳//۳۳-۳۴

عنوان بحث مرجحات باب تزاحم است. قبلاً بحث کردیم که بین تعارض و تزاحم اختلاف های اساسی هست (در عین اینکه شباهتهایی هم قابل تصور است)

یکی از تفاوت های باب تعارض با باب تزاحم در ناحیه مرجحات است. آنچه به نام مرجح در باب تعارض نامیده می شود تفاوت اساسی با آنچه در باب تزاحم به عنوان مرجح شناخته می شود، دارد لذا باید هم مرجحات باب تعارض و هم مرجحات باب تزاحم بررسی شود.

بیان نائینی

مرحوم نائینی در فوائد الاصول از پنج مرجح نام می برد:

و أمّا مرجّحات باب التزاحم:

فهی أمور:

منها: ما إذا كان أحد المتزاحمين مضيّقاً و الآخر موسّعاً، فإنّ المضيّق يقدّم على الموسّع.

و منها: ما إذا كان أحد المتزاحمين مشروطاً بالقدرة الشرعیّة دون الآخر، فيقدّم ما لا يكون مشروطاً بالقدرة الشرعیّة على ما يكون مشروطاً بها.

و منها: ما إذا كان لأحد المتزاحمين بدل اضطراری دون الآخر، فإنّ ما لا بدل له مقدّم على ما له البدل.

و منها: ما إذا كان ظرف امتثال أحد المتزاحمين مقدّمًا على ظرف امتثال الآخر، فإنّ المقدّم في الامتثال يقدّم على غيره.

و منها: ما إذا كان أحد المتزاحمين أهمّ من الآخر، فإنّه يقدّم الأهمّ على غيره.

فهذه الأمور الخمسة مرجّحات باب التزام،^۱

مرحوم عراقی نیز در نهاییه الافکار ج ۴ ص ۱۳۲ به این مباحث اشاره نموده است.

مرجع اول

ترجیح ما لیس له البدل علی ما له البدل.

اگر دو واجب داشتیم یکی از این دو واجب ما بدل داشت دیگری بدل نداشت در مقام التزام بین ماله البدل و ما لیس له البدل، مالیس له البدل مقدم بر ما له البدل است.

آنچه در تقویت و تائید بیان این دو محقق بزرگوار می توان بیان کرد این است که اگر ما در چنین التزامی مالیس له البدل را مقدم نکنیم یک ملاک لزومی، بدون این که تدارک و جبرانی رخ دهد از دست ما می رود به عبارت دیگر در صورت تقدیم ما له البدل بر ما لیس له البدل، اگر مالیس له البدل را کنار نهمیم و اکتفا به ما له البدل کنیم لازم می آید بدون هیچ جبران و تدارکی ملاک ملزم ترک شود.

وجه این که اینجا با انجام ماله البدل بر ما لیس له البدل تدارکی نیست این است که اساساً تدارک و جبران در اینجا فرع وجود بدل است. وقتی واجبی اساساً بدل نداشت چگونه می خواهید فوت ملاک را در این واجبی که بدل برای او نیست، جبران کنید و تدارک کنید؟ در حالیکه اگر به عکس عمل یعنی ما لیس له البدل را مقدم کنید و ما له البدل را طرح کنید هم ملاک ما لیس له البدل بدست شماست هم با عمل به بدل، ما له البدل به نحوی ملاک فوت شده را تدارک کردید. لذا در این التزام، ما له البدل را مرجوح و ما لیس له البدل را راجح می دانیم. این یعنی ترجیح ما لیس له البدل علی ما له البدل. و این اساس مبنای این دو محقق بزرگوار است.

وقتی به فقه مراجعه می کنیم برای این کبرای کلی که مالیس له البدل مقدم بر ما له البدل است دو مورد پیدا می کنیم:

^۱ - نائینی، محمد حسین، فوائد الأصول - فوائد الاصول ؛ ج ۴ ؛ ص ۷۰۹ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.

۱- ان يكون لاحد الواجبين بدل طولى دون الآخر.

۲- ان يكون لاحدهما بدل عرضى.

بدلیت طولی

بدلیت بر دو قسم است بدلیت طولیه و بدلیت عرضیه.

اگر دو واجب داشتیم که یکی از دو واجب ما بدل طولی داشت و واجب دیگر بدل طولی نداشت. مانند این که کمی آب است که یا این آب را برای وضو یا غسل باید استفاده کند یعنی طهارت از حدث یا برای بر طرف کردن نجاست از بدن یعنی طهارت از خبث.

آب به اندازه هر دو نیست که هم وضو و غسل کند و هم خود را بشوید. در اینجا طهارت از خبث بدل ندارد ولی طهارت از حدث بدل طولی دارد. اینجا نه در عرض وضو بلکه در طول وضو بدلی به نام تیمم دارید. تیمم بدل طولی از وضو و غسل است اگر وضو و غسل به هر دلیلی ترک شد راه تدارک و جبران خسارت بسته نیست.

قال تعالى: فلم تجدوا ما فتيمموا صعيدا طيبا.

اینجا بدلی برای غسل و وضو داریم و گفته شده ما لیس له البدل که طهارت از خبث هست بر ما له البدل که طهارت از حدث هست مقدم است. آب را در شستشوی از نجاست مصرف کند (بجای وضو یا غسل تیمم کند) تیمم بدل طولی وضو و غسل است.

بدلیت عرضی

اما بدل عرضی دو قسم دارد:

۱- قسم اول دوران امر بین واجب موسع و واجب مضیق است. مانند تراحم بین وجوب ازاله نجاست از مسجد و نماز در اول وقت. فانها ذات افراد و كلها فى عرض واحد بین الاحدین و اما ازاله النجاسة فهو مضیق و لیس لها بدل عرضی

۲- دوران الامر بین وجوب **التعیینی واحد فردی الواجب التخییری**. فان الاول لا بدل له دون الثانى كما لو دار الامر بین وجوب الاتفاق على واجب النفقة والاطعام الذى هو احد خصال الكفارة فان الاول واجب تعینی و الثانى تخییری.

در جایی که بدل عرضی تصور دارد دو قسم ممکن است بدل عرضی را تصور کرد.

یکی جایی که من مردد بین واجب موسع و واجب مضیق باشم. مثلاً اول وقت است یا باید نماز بخوانم یا باید راس اذان ظهر ازاله نجاست از مسجد کنم. یکی از این را باید انتخاب کنم یا نماز اول وقت یا ازاله نجاست از مسجد.

نماز اول وقت بگونه ای نیست که اگر از دست من رفت به صورت کلی تکلیف را از دست بدهم در آنات و دقائق و ساعات بعد هم می توانم نماز را بخوانم تنها چیزی که فوت می شود فضیلت اول است که امر وجوبی ندارد ولی ملاک اصل نماز فوت نمی شود من از اول وقت تا آخر وقت می توانم ملاک وجوبی نماز را بدست آورم. بدل عرضی دارم اما اگر همان وقت ازاله را ترک کنم ازاله نجاست از مسجد واجب مضیق است نه واجب موسع. نماز واجب موسع است اول نشد در ادامه وقت. اما ازاله نجاست از مسجد واجب فوری است تاخیر در آن جائز نیست. به عبارت دیگر در تاخیر نماز، من مستجبی را ترک می کنم اما چون در وقت نماز می خوانم معصیتی نمی کنم. واجب موسع است اما اگر ازاله را تاخیر انداختم معصیت کردم. زیرا واجب مضیق است. اینجا باید واجب مضیق که بدل عرضی ندارد بر واجب موسع که نماز است مقدم شود.

در قسم دوم

من چیزی مگر مقداری گندم ندارم. امر مردد است این مقدار گندم را بعنوان اطعام واجب نفقه خود مصرف کنم یا بعنوان کفاره روزه بدهم. در اینجا که من بجز گندم چیزی برای اطعام واجب نفقه ام ندارم تعیناً باید این گندم به واجب النفقه داده شود اما اگر در کفاره روزه نتوانستم اطعام کنم واجب من تخییری است عتق رقبه می شود یا صیام دو ماه است. واجبی به نام تخییری است نه تعینی.

اگر گندم را به واجب النفقه دادم و بجای اطعام، روزه گرفتم کفاره را هم پرداختم اما اگر گندم را به مصرف کفاره رساندم واجب تعینی من که اطعام واجب النفقه بود ترک شده است.

گفته شد بدل طولی و عرضی است.

بدل عرضی را دو قسم دانستیم. یکی دوران امر بین واجب موسع است و مضیق. مانند تراحم بین وجوب ازاله نجاست از مسجد که وجوبی فوری است با نماز در اول وقت که وجوب موسع دارد و مکلف در چنین جایی امرش دائر بین واجب موسع است مضیق.

دوم هم امر دائر باشد بین واجب تعینی و یکی از افراد واجب تخییری.

فعلاً با قسم دوم در بدل عرضی کاری نداریم. بلکه به قسم اول نظر داریم. و قسم دوم بدل عرضی.

سخن بزرگانی مانند مرحوم عراقی و مرحوم نائینی در تقدیم مالیس له البدل بر ما له البدل این است که در مورد نماز وقتی شارع برای شما وسعت قرار داد بین حدین از اذان ظهر تا مثلاً غروب این یعنی آنچه بر شما واجب است یک جامع حقیقی است که مصادیق بسیاری بین ظهر تا غروب دارد. به حکم عقل می توانید هر یک از این مصادیق را انتخاب کنید. عقل در اینجا در مرحله امتثال حکم به تخییر می کند. شما وقتی وسعت داشتید در انجام نماز از ظهر تا غروب تخییر عقلی دارید که در هر برهه زمانی که خواستید این واجب را انجام دهید. نماز برای شما خصوص ساعت ۱۲ نیست کما این که نماز ساعت یک و دو و بالخصوص و معیناً بر شما واجب نیست. آنچه واجب است این که در این برهه مصداقی از مصادیق نماز را انجام دهید:

و العقل هو الذى يحكم بالتخير بين افرادها الممكن وقوعها بين الحدين

چه این که جمیع مصادیق نماز از ظهر تا غروب نسبت به طبیعی نماز مساوی است.

فالعقل فى مرحله الامتثال يحكم بالتخير.

این تخیر عقلی می باشد مانند این که در اتاق خودتان بخوانید نماز بخوانید مخیر هستید در هر قسمتی نماز بخوانید. این تخیر عقلی است در برابر تخیر شرعی که بعدا بحثش خواهد آمد.

جایی که دوران امر بین واجب موسع (نماز) با واجب مضیق (ازاله) باید واجب مضیق را مقدم کنید. نه واجب موسع را. اگر نماز را مقدم کردید معصیتی شده است نسبت به ترک واجب مضیق.

نماز را که بدل عرضی داشت مقدم کردید اما با واجب فوری ازاله نجاست از مسجد که مضیق و فوری بود مخالفت صورت گرفت.

به نظر این دو بزرگوار فما لیس له البدل مقدم علی ما له البدل. مطلقا عند التزاحم فازاله النجاسه مقدمه علی الصلاه فی الزمان الاول.

نظر استاد وحید

شیخ استاد ما آقای وحید می گویند در اینجا قبول داریم باید ازاله مقدم شود ولی این تعبیر را نمی پذیرم که اینجا تزاحمی ترجیحی ازاله نجاست بر نماز دارد.

جایی که قدرت بر نماز واجب و انجام ازاله واجب، بدون هیچ درگیری دارید، می توانید نماز را به تاخیر بندازید تزاحمی نیست تا ترجیح معنا پیدا کند. اگر خصوص نماز اول وقت واجب بود تزاحم بود آنگاه می گفتیم بینیم کدام مقدم است اما وقتی شما هم معتقدید که خصوص نماز اول وقت واجب نیست و معتقدید طبیعی نماز است قبول دارید که در نماز آنچه واجب است جامع حقیقی از ظهر تا غروب است در حقیقت احد الواجبین طبیعی نماز است و واجب دیگر ازاله نجاست در خصوص این زمان است.

مکلف بر هر دو قدرت دارد تزاحمی پیش نیامده تا نوبت به ترجیحی برسد. ترجیح فرع تزاحم است و تزاحم جایی است که شما بر انجام هر دو واجب قدرت نداشته باشید اینجا که چیزی از واجبات از شما فوت نمی شود.

بله! فضیلت اول وقت بخاطر انجام یک واجب فوری فوت می شود. اما چیزی که واجب بود نماز اول وقت که نبود نماز بین حدین واجب بود. اینجا نه تزاحمی است نه ترجیحی تا بگوییم مرجحات باب تزاحم داریم.

سخن ما

سخن ما این است که ما همانگونه که در تعارض اصطلاحی به نام تعارض غیر مستمر داریم (در عام و خاص و مطلق و مقید....) اینجا می توانیم در باب تزاحم بگوییم تزاحم هم بر دو قسم است. تزاحم مستقر مانند دوران

امر بین نماز آخر وقت بازاله. ولی یک تراحم غیر مستقر داریم یعنی تراحمی که با اندک تاملی مشکل حل می شود. و تحیر تراحمی مستقری نداریم. و آن تراحم بین نماز اول وقت با ازاله نجاست است با اندک تاملی به این نتیجه می رسیم که این تراحم پا برجا نیست.

همچنانکه در تعارض گاهی سخن از تعارض غیر مستقر داشتیم می توانیم در تراحم هم تراحم غیر مستقر را مطرح کنیم.

دو نوع تحیر تراحمی داریم:

- ۱- تحیری که با اعمال مرجحات باب تراحم فقط حل می شود. این تراحم مستقر است
- ۲- تراحمی که تحیر ما محتاج اعمال نظر دقیق و فنی و محتاج اعمال قواعد فنی در باب مرجحات باب تراحم نیست بلکه با اندک تاملی رفع تحیر می شود و ما له البدل که واجب موسع است نباید انجام شود. و راجح و مقدم واجب مضیق است لذا اگر هم ترجیح گفتیم ، تسامحی می گوئیم. اگر گفتیم تراحم، تسامحی می گوئیم اینجا تراحم غیر مستقر است کما این که باب تعارض هم تعارض غیر مستقر و مستقر داشتیم.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

حسین مقدس

جلسات ۳۳-۳۴